بازکاوی تفاوت سنی همسران

<"xml encoding="UTF-8?>

مقدمه

خانواده «یک واحد اجتماعی است که بر اثر ازدواج یک زن و یک مرد پدید آمده و وجود فرزندان آن را تکمیل می کند.» نهاد خانواده به عنوان عنصر جدانشدنی اجتماع، با آغاز زندگی اجتماعی انسان ها به وجود آمده و در ورای تاریخی پر پیچ و خم، مظاهر و اشکال متفاوتی را خلق کرده است. خانواده از سویی به عنوان «یکی از عوامل سازنده شخصیت که در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان تأثیر بسیار می گذارد، محیط زندگی و تربیتی او می باشد.» و از طرف دیگر مکانی است تشکیل شده از عناصر زن و مرد و فرزندانی که هر یک از آنها در جهت تداوم خانواده، نقش ها و وظایف مجزایی دارند. اضمحلال و گسیختگی خانواده، اگر به عنوان اساسی ترین معضل جوامع عصر حاضر تلقی نشود، یکی از مهم ترین و حساس ترین مسائل اجتماعی انسان ها است که توجه بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان را در قالب «آسیب شناسی اجتماعي» به خود معطوف کرده است. سلامت و استحکام جامعه به نوعی به استحکام خانواده های آن مربوط است؛ به خاطر آنکه، یک خانواده سالم و مستحکم باعث رشد استعدادهای انسانی شده و به دنبال آن رشد ارکان تعالی اجتماعی را در بر خواهد داشت؛ و در مقابل پرورش نیروهای ناسالم و فاقد صلاحیت، سبب نارسایی در عناصر جامعه می شود.

تفاوت سنی همسران

در خصوص معیارها و ملاک های مربوط به ازدواج، به عوامل متعددی اشاره شده است که از میان آنها می توان به عامل کفویت بین همسران و در تمامی موارد مربوط به عامل کفویت می توان به همسانی در سن زن و مرد اشاره کرد. تفاوت سنی که در مواقعی از آن به عنوان اختلاف شدید سنی و یا شکاف سنی یاد می شود از جمله موازین زیربنایی و اساسی در ازدواج است که بی توجهی به آن، زمینه ساز بسیاری از کج خلقی ها و ناسازگاری ها در زندگی خانوادگی است. از لحاظ سن هم دختر و هم پسر باید متناسب باشند. مثلاً اگر پسر سه الی هفت سال از دختر بزرگ تر و یا هم سن باشد و یا دختر یک یا دو سال از پسر بزرگ تر باشد اینها مسئله ای پیش نمی آورند، بحث در جاهایی مطرح است که اختلاف سنی خیلی زیاد باشد مثلاً از 10 سال به بالا، زوجین با هم اختلاف داشته باشند؛ مرد چهل ساله، پنجاه ساله و ... بیاید دختر تازه به سن شوهر رسیده که سنش به بیست سال نمی رسد را به همسری خود درآورد. حتی اگر این وصلت از روی میل و رغبت هم باشد شاید چند صباحی در اول زندگی، این دو بتوانند گرم و بدون اختلاف با هم سر کنند ولی بعد از مدتی اختلاف شروع می شود.
تفاوت در سن، به این شکل ممکن است سبب جدایی و فروپاشی مقدس ترین گروه اجتماعی شود. این واقعه زمانی صورت می گیرد که مرد و زن لباس همدیگر نبوده و یکدیگر را در مقابل گرما و سرمای روزگار حفظ نکنند.

تفاوت سنی عامل اختلافات زوجین

آیا تفاوت سنی همواره سبب خواهد شد زندگی خانوادگی از هم گسیخته گردد؟
خانواده نهادی است که شاخصه ها و معرف های فراوانی جهت شناخت تمامی عرصه های آن لازم است. در نتیجه نمی توان ادعا کرد که تنها یک عامل خاص سبب تهدید، جدایی و انفصال حیات خانواده می گردد. نمونه های زیادی در جامعه وجود دارد که حاکی از تفاوت سنی زیاد میان همسران است ولی از زندگی زناشویی موفقی هم برخوردارند. به رغم این، اگر بخواهیم به دلایل زیربنایی و ریشه ای خانواده نظر داشته باشیم، عامل تفاوت سنی زیاد، مورد بسیار مناسبی جهت بررسی موضوع مطالعه می باشد. تفاوت سنی را می توان عامل مخفی و پنهانی معرفی کرد که در غالب تفاوت های اخلاقی و جسمانی پایه گذار اختلافات خانوادگی می شوند:
الف: ناهمسانی های روحی و فکري: در چارچوب این مسئله سؤالی در ذهن مطرح می شود که تفاوت سنی تا چه اندازه ای موجب ناهمسانی در اندیشه و افکار فردی و اجتماعی بین همسران می شود؟ دکتر ساروخانی در کتاب جامعه شناسی خانواده به نقل از کارسون می نویسد: «چون انتظارات و شیوه نگرش اشخاص در سنین مختلف فرق می کند و بین افرادی که در سن متفاوت هستند در فرهنگ و اندیشه نیز تفاوت وجود دارد از اینرو تفاوت سلامت و استحکام جامعه به نوعی به استحکام خانواده های آن مربوط است؛ به خاطر آنکه، یک خانواده سالم و مستحکم باعث رشد استعدادهای انسانی شده و به دنبال آن رشد ارکان تعالی اجتماعی را در بر خواهد داشت؛ و در مقابل پرورش نیروهای ناسالم و فاقد صلاحیت، سبب نارسایی در عناصر جامعه می شود.
خانواده نهادی است که شاخصه ها و معرف های فراوانی جهت شناخت تمامی عرصه های آن لازم است. در نتیجه نمی توان ادعا کرد که تنها یک عامل خاص سبب تهدید، جدایی و انفصال حیات خانواده می گردد. نمونه های زیادی در جامعه وجود دارد که حاکی از تفاوت سنی زیاد میان همسران است ولی از زندگی زناشویی موفقی هم برخوردارند.
سنی با خود تفاوت های وسیع فرهنگی و جهان بینی را به همراه خواهد آورد و بر بقای زوجیت و سعادت زناشویی تأثیر خواهد گذارد.» ممکن است شبهه ای در ذهن ایجاد شود که چگونه چنین ازدواج هایی در گذشته وجود داشته ولی هرگز سبب جدایی و تجزیه خانواده نشده است. ایشان در ادامه، علت این موضوع را چنین تشریح می کند: «سرعت دگرگونی های اجتماع و گذر از مرحله نیمه ایستا موجب می شود که انسان ها بسیار سریع تر از گذشته تغییر یابند تا با شرایط هر روز نوین جامعه شان انطباق پذیرتر شوند. در حالی که در جوامع کهن، شرایطی حاکم بود که بدان نوناخواهی اطلاق می شد و انسان ها خصایص اصلی جامعه پذیری را صرفا در بخش اول سال های حیات فرا می گرفتند و تا پایان عمرشان به کار می بردند، امروز با جوامعی مواجه هستیم که تغییرات سریع اساس آن را تشکیل می دهد. از اینرو است که نسل نو و پدید آمده با موج جدید اجتماعی، از هر نظر با نسل های سالخورده تمایز دارد و گاه این تمایز چنان است که تفاهم بین نسل ها در معرض تهدیدی جدی واقع می شود.»
ب: ناهمسانی جسماني: ناهمگونی سنی به نوعی در علایق و نیازهای همسران نیز تأثیر می گذارد؛ فرض بر این است که شکاف سنی سبب تفاوت شدید توقعات و انتظارات شان می شود.
«در زندگی زناشویی بخصوص تمایلات جنسی مشابه، بیشتر در زن و مردی که از لحاظ سن با هم تناسب داشته باشند وجود خواهد داشت و زن و مرد بهتر خواهند توانست به نیازهای همدیگر پاسخ دهند.» اثبات این فرض را دکتر قائمی این گونه شرح می دهد: «اختلافات شدید سنی موجب اختلاف در حیات جنسی، درک و لذت جنسی و از این قبیل که باعث می شود زندگی توأم با عشق و سازش نباشد. هر یک از طرفین که نتوانند توسط دیگری

کامل ارضا شوند در زندگی شان اثر گذارده، و به سردی می گرایند. بحران و التهاب جوانی از حدود 40 سالگی در مردان و از حدود 35 سالگی در زنان تقریبا فرو می نشیند. در چنین سنی دیدها و درک ها، تا حدودی عوض می شود و در آن صورت تفاوت های سنی خود را کاملاً نشان می دهند.»

چرا چنین ازدواج هایی صورت می گیرد

1ـ فقر فرهنگي: فقر فرهنگی را می توان «فقدان آگاهی های لازم» معرفی کرد. اینکه فقر فرهنگی به چه صورت بر احتمال وقوع چنین ازدواج هایی تأثیر می گذارد از سه جهت قابل بررسی و تأمل است. اول: چنین ازدواج هایی در جامعه مرسوم بوده و کیفیت آن به عنوان یک ارزش پذیرفته شده باشد. در عصر حاضر، وقوع چنین ازدواج هایی بسیار ضعیف به نظر می رسد ولی چنین شکلی در گذشته هایی نه چندان دور، چندان غیر محتمل نبوده است. دوم: رسوخ فقر فرهنگی در خانواده و سوم: فقر قرهنگی در فرد مخاطب ازدواج. ازدواج های تحمیلی را می توان مثال این گونه ذکر کرد.
2ـ فقر اقتصادي: علت دوم وقوع چنین ازدواج هایی فقر اقتصادی است. زن هنگامی که فاقد ابزارهای مالی مناسب باشد به چنین ازدواج هایی تن می دهد. هر چند نسبت به عواقب آن آگاهی کامل دارد. البته شیوع چنین ازدواج هایی در بین خانواده های بی سرپرست و یا زنان مطلقه بیشتر مورد
مشاهده است. از طرف دیگر می توان خانواده هایی که توانایی اداره فرزندان خود را به هر دلیلی ندارند، مثال زد که در اثر فقدان امکانات مالی مناسب، فرزندان را به ازدواج هایی ناخوشایند وادار می کنند.
3ـ ازدواج های عاشقانه: اگر چه ازدواج های عاشقانه به مراتب در سنینی اتفاق می افتد که تفاوت زیادی مابین همسران وجود ندارد ولی دیده می شود که با فاصله سنی زیاد هم اتفاق می افتد.
علاقه شدید قلبی که در ابتدای زندگی باعث سرپوش گذاشتن بسیاری از تفاوت ها و اختلافات می شود زمانی که رنگ خود را در گذر زمان از دست می دهد بستری برای اختلافات و ناسازگاری ها ایجاد می کند.
4ـ کسب مال و مقام: دسته دیگر از ازدواج ها که ریشه در عوامل فردی دارند ناشی از حرص و ولع زن و یا مردی است که در آرزوی حصول ثروت و مالکیت طرف مقابل خود، حاضر به ازدواج با کسی می شوند که سال ها با او فاصله سنی دارند. هدف چنین ازدواج هایی، نه رسیدن به کمالات روحی و معنوی، بلکه ارضای صرف خواسته های مادی است که ازدواج را تنها حربه ای برای انتقال ثروت و کسب مادیات دنیوی، قلمداد می کنند.
5ـ عامل جمعيتي: عامل جمعیتی را می توان به نوعی عامل اجتماعی به حساب آورد. آنچه در این زمینه بیشتر قابل تأمل است نه نقش نیات و اجبار عاطفی و خانوادگی، بلکه جبری است که
علت دوم وقوع چنین ازدواج هایی فقر اقتصادی است. زن هنگامی که فاقد ابزارهای مالی مناسب باشد به چنین ازدواج هایی تن می دهد. هر چند نسبت به عواقب آن آگاهی کامل دارد. البته شیوع چنین ازدواج هایی در بین خانواده های بی سرپرست و یا زنان مطلقه بیشتر مورد مشاهده است. از طرف دیگر می توان خانواده هایی که توانایی اداره فرزندان خود را به هر دلیلی ندارند، مثال زد که در اثر فقدان امکانات مالی مناسب، فرزندان را به ازدواج هایی ناخوشایند وادار می کنند.
دسته دیگر از ازدواج ها که ریشه در عوامل فردی دارند ناشی از حرص و ولع زن و یا مردی است که در آرزوی حصول ثروت و مالکیت طرف مقابل خود، حاضر به ازدواج با کسی می شوند که سال ها با او فاصله سنی دارند. هدف چنین ازدواج هایی، نه رسیدن به کمالات روحی و معنوی، بلکه ارضای صرف خواسته های مادی است که

ازدواج را تنها حربه ای برای انتقال ثروت و کسب مادیات دنیوی، قلمداد می کنند.
از سوی جامعه بر فرد تحمیل می شود. وضعیت کشور آلمان پس از جنگ جهانی دوم و بهتر از آن، مازاد جنسبت دختر نسبت به پسر در سال های آینده در ایران نمونه بارز این واقعه است. در چنین حالتی در مقابل یک مرد آماده به ازدواج، معمولاً بیش از یک زن آماده به ازدواج وجود دارد؛ و این هنگامی اتفاق می افتد که به خاط حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله و ... و حوادث غیر طبیعی مانند جنگ، هرم جنسی موجود در جامعه دچار تحول و ناهماهنگی شود.

آسیب شناسی

عواقبی که چنین ازدواج هایی می تواند به دنبال داشته باشد، بسیار بیشتر از نکاتی است که در اینجا مورد بررسی قرار می گیرد؛ ولی اگر بخواهیم به طور ساده به آن بپردازیم می توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد:
1ـ اضمحلال و گسست خانواده: که خود به چند صورت قابل بیان است از جمله، طلاق یا فسخ قرارداد عقد، غیبت ارادی یکی از همسران و جدایی عاطفی و روحی، قابل شناسایی است.
2ـ مبادرت مرد به ازدواج مجدد و یا انجام اعمال منافی عفت از سوی مردان و زنان، که آن هم به نوعی گسیختگی خانواده از سوی نهادهای مذهبی و اجتماعی ابراز شده است.

راهکارها

در خصوص سن ازدواج پیشنهادهای متفاوتی از سوی نهادهای مذهبی و اجتماعی ابراز شده اما در خصوص فاصله سنی، هر چند، سن مشخصی را بیان نمی کنند ولی بطور مختصر می توان به دو رویکرد آن توجه کرد: در جنبه نخست که بسیار کم است برتری سن زن نسبت به مرد است در فاصله سنی چند سال برتری سن زن نسبت به مرد ناهمسانی خاصی اتفاق نمی افتد. در حالت دوم که برتری سن مرد نسبت به زن است. با توجه به شاخص های زیستی، عاطفی و اجتماعی سنین متفاوتی را پیشنهاد می کنند که فاصله سنی 2 تا 10 سال را شامل می شود. دکتر قائمی با بیان فاصله سنی همسران در زمان بلوغ می نویسد: «بهتر است تفاوت سنی در حدود دو بلوغ باشد یعنی 3 و 6 سال زیرا از نظر شرعی دختر در سن 10 سالگی و پسر در سن 16 سالگی بالغ می شوند که تفاوت در 6 سال است.»
تفاوت سنی که در مواقعی از آن به عنوان اختلاف شدید سنی و یا شکاف سنی یاد می شود از جمله موازین زیربنایی و اساسی در ازدواج است که بی توجهی به آن، زمینه ساز بسیاری از کج خلقی ها و ناسازگاری ها در زندگی خانوادگی است.
علاقه شدید قلبی که در ابتدای زندگی باعث سرپوش گذاشتن بسیاری از تفاوت ها و اختلافات می شود زمانی که رنگ خود را در گذر زمان از دست می دهد بستری برای اختلافات و ناسازگاری ها ایجاد می کند.